

تبعیض جنسیتی و افسانه‌ی فرصت‌های برابر نوشته‌ی کیت شمیم شرافت / فیگز

Photo:bidarzani.com

بیدارزنی: کتاب *زنان و تبعیض* نوشته‌ی کیت فیگز به بررسی وضعیت زنان در جامعه به‌خصوص در محیط کار می‌پردازد. فیگز ابتدا تعریفی از تبعیض جنسیتی علیه زنان ارائه و سپس به وضعیت زنان در حوزه‌ی اشتغال و محدودیت‌هایی اشاره کرده است که در محیط کار با آن‌ها مواجه می‌شوند. رویکرد کتاب را می‌توان در زمره‌ی آثار فمینیسم لیبرال جای داد، چراکه تأکید نویسنده بیشتر بر موقعیت اجتماعی زنان و عناصر جامعه‌پذیری است که مانع پیشرفت اجتماعی آن‌ها می‌شود.

کتاب تعاریف گوناگونی از وضعیت فرودست زنان در محیط کار ارائه می‌کند که برای هر نوع بررسی و مطالعه در حوزه‌ی زنان و اشتغال مفید است. تبعیض جنسیتی که در عنوان کتاب ذکر شده به معنای انحصاری بودن مجامع، موقعیت‌ها، مزایا و موهبت‌ها در هر جامعه است، به‌صورتی که یک جنس از آن برخوردار و دیگری از آن محروم است. کلیشه‌های جنسیتی نیز که فیگز در کتاب خود از آن‌ها یاد می‌کند به کلیه‌ی نقش‌ها، رفتارها و تفکراتی برمی‌گردد که به‌صورت مکرر انتظار می‌رود یک جنس در جامعه آن‌ها را ایفا کند یا آن‌چنان بیندیشد. به اعتقاد نویسنده کلیشه‌هایی همچون تأکید بر نان‌آوری مرد در جامعه باعث می‌شود به کار زنان اهمیت کمتری داده شود. علاوه بر این، زنانه بودن هنجار پرورش کودکان باعث شده استخدام زنان در محیط‌های کاری در اولویت کمتری نسبت به مردان قرار گیرد، چراکه نقش‌های جنسیتی - به معنای نقش‌هایی که هریک از دو جنس در موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی ایفا می‌کنند - به‌نحوی در ساختار خانواده شکل گرفته که زنان مسئولیت پرورش فرزندان را بر عهده دارند. به همین دلیل زنان متأهل در محیط کار همواره بیش از مردان در معرض اخراج شدن قرار دارند. قوانین غیررسمی شامل قوانینی می‌شود که به‌صورت مکتوب و رسمی در جامعه جریان ندارند، بلکه توسط هنجارهای جامعه به‌صورت الگوهای رفتاری بروز می‌یابند. این نوع قوانین از موانع پیشرفت زنان در محیط کارند که در قالب سقف شیشه‌ای بازتاب می‌یابند، به این معنا که زنان در محیط کار بیشتر از حدی مشخص امکان پیشرفت ندارند و کمتر از مردان در پست‌های مدیریتی گماشته می‌شوند. در واقع سقف شیشه‌ای به موانع مصنوعی و نامرئی، تصمیم‌های سازمانی و تصمیمات مسئولان اطلاق می‌شود که مانع پیشرفت اشخاص در داخل سازمان‌ها می‌شود. این اصطلاح به معنی نقطه‌ای است که دیگر فرد (عموماً زن) امکان ارتقا پیدا نمی‌کند. سقف شیشه‌ای در پی تبیین موانع و معضلات نامرئی است که در راه پیشرفت به سطوح بالاتر بروز می‌کند و زنان در اثر وجود این موانع از صعود به سطوح بالای مدیریتی منع می‌شوند.

فیگز در کتاب *زنان و تبعیض* از شوخی‌های جنسیتی نیز چنین یاد می‌کند: «تو آن فردی هستی که با بودنت مرا تهدید می‌کنی و تنها راهی که من می‌توانم با این قضیه کنار بیایم این است که آن را به مسخره بگیرم. پس چرا به‌جای این‌که در مورد آن صحبت کنیم با هم به قضیه نخندیم؟» این نشان‌دهنده‌ی واکنش مردان به خروج زنان از خانه و ورود به عرصه‌ی عمومی است. مردان در این حالت با طرح شوخی‌های جنس‌گرا تلاش می‌کنند زنان را به مسخره بگیرند. فیگز در قسمت دیگری از کتاب می‌گوید: «زنانی که تلاش می‌کنند خود را با فرهنگ حاکم بر جامعه سازگار سازند احتمالاً یا سرزنش می‌شوند که مردهایی هستند که دامن پوشیده‌اند و از مردها هم مردانه‌تر برخورد می‌کنند یا این‌که به خاطر رئیس‌بازی درآوردن کنار گذاشته می‌شوند و برای رفتاری گناهکار شمرده می‌شوند که در مردان نشانه‌ای از مدیریت سالم و طبیعی است.» این نکته به زمانی برمی‌گردد که زنان به تصدی مقام‌های مدیریتی درآمده‌اند و باید با این کلیشه دست و پنجه نرم کنند که زنان مدیران خوبی نیستند، زنان ضعیف‌اند و نمی‌توانند مانند مردان مدیریت کنند.

کتاب *زنان و تبعیض*: تبعیض جنسیتی و افسانه‌ی فرصت‌های برابر را اسفندیار زندپور و به‌دخت مال‌امیری ترجمه کرده‌اند و نشر گل‌آذین آن را منتشر کرده است.

منبع: بیدارزنی